

رهبر انقلاب در جمع مداحان اهل بیت (ع):

اشتباه محاسباتی نتیجه ترس از دشمن است

رهبر انقلاب اسلامی در ادامه سخنان خود با اشاره به اهمیت و جایگاه موضوع خانواده، خاطرنشان کردند: «نظام خانواده، سنت الهی است، اما دشمنان بشریت که همان جریان سرمایه‌داری بین‌المللی و صهیونیستی است، تصمیم به نابودی بنیان خانواده در جهان گرفته‌اند، بنابراین باید برای حفظ و تقویت ارکان نظام خانواده در جامعه، همت گماشته شود.» حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، ازدواج‌های دیر هنگام و سخت، فرزندآوری کم و ترویج پدیده‌های رشتنی همچون ازدواج‌های سفید را که سیاه‌ترین ازدواج است، به همراه تلاش برای از بین بردن حیا و عفت از موارد و زمینه‌های در خطر قرار گرفتن نظام خانواده برشمردند و تاکید کردند: «ایجاد زمینه برای طهارت و پاکیزگی جوان، موثرترین راهکار جهت مقابله با توطئه‌ها و حفظ انقلاب و نظام جمهوری اسلامی است.»

و امن، همراه با رفاه مادی و شوکت بین‌المللی و بهجت معنوی است.» رهبر انقلاب اسلامی با یادآوری صف‌آرایی دشمنان دین الهی در مقابل پیامبران بزرگ الهی و ائمه معصومین علیهم السلام افزودند: «امروز هم صف‌آرایی همان صفت‌بندی است و همان سرنوشت نابودی در انتظار جبهه باطل است، اما شرط آن، توکل به خداوند متعال و ترسیدن از دشمن است تا اشتباه محاسباتی رخ ندهد.» حضرت آیت‌الله خامنه‌ای مصداق عینی این موضوع را دوران ۴۰ ساله انقلاب دانستند و گفتند: «در این ۴۰ سال، دشمنان با همه توان و امکانات در مقابل انقلاب اسلامی صف‌آرایی و ضرباتی را هم وارد کردند، اما ملت ایران با توکل بر خدا و انجام وظیفه توانست بر این توطئه‌ها فائق بیاید و اکنون قوی‌تر از هر دوره‌ای شده، ولی جبهه دشمن ضعیف‌تر از دوره‌های گذشته است.»

تجهیزات و تبلیغات نابود شد، امروز هم همان سرنوشت در انتظار جبهه مقابل انقلاب اسلامی است و نباید از دشمن ترسید و دچار اشتباه محاسبه شد.» حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با اشاره به تاثیرگذاری بالای مضامین اشعار مدیحه‌سرایان افزودند: «این مضامین باید قرآنی و اسلامی و همراه با اندیشه عمیق و دید روشن و با استفاده از شیوه‌های هنری در جهت اهداف انقلاب اسلامی به کار گرفته شوند که در این صورت، تاثیر زیادی در حرکت عظیم ملت ایران و حتی حرکت امت اسلامی خواهند داشت.» ایشان با تاکید بر لزوم استفاده از فرصت مهیا شده کنونی برای ترویج معارف دین و انقلاب خاطرنشان کردند: «امروز همه مسئول هستیم و وظیفه ذاکران و مدیحه‌سرایان، سوق دادن مردم به سمت اهداف انقلاب یعنی شکل‌گیری جامعه‌ای مومن، سالم

در سالروز ولادت باسعادت ام‌الامنه حضرت فاطمه زهرا سلام‌الله‌علیها، فضای حسینی‌هام خمینی (ره) معطر به عطر فضایل و مناقب آن بانوی بزرگ اسلام بود و جمعی از ذاکران اهل بیت علیهم‌السلام در حضور رهبر معظم انقلاب اسلامی به مدیحه‌سرایی پرداختند. در این مراسم، رهبر انقلاب اسلامی در سخنانی ضمن تبریک سالروز میلاد حضرت فاطمه زهرا سلام‌الله‌علیها، ذاکران و مدیحه‌سرایان حسینی را سرمایه و ذخیره‌ای برای پیشبرد اهداف اسلام و انقلاب خواندند و با تاکید بر اینکه از این سرمایه باید در جهت اهداف حسینی و فاطمی و تبیین معارف انقلاب استفاده شود، گفتند: «امروز صفت‌بندی جبهه حق و باطل همان صفت‌بندی‌های دوران پیامبران بزرگ الهی و دوران ائمه اطهار علیهم‌السلام است و همان گونه که در آن زمان جبهه باطل به‌رغم کثرت نفرات و



استعفای شبانه‌ی محمدجواد ظریف وزیر خارجه که گفته می‌شود به دلیل اختلافات داخلی درون دولت است با واکنش منفی افکار عمومی روبه‌رو شد

استعفای اشتباهی

دوشنبه حسن روحانی با فشار اسد تنزل و بی‌اعتبار کردن وزارت امور خارجه است و برای حفظ شان دستگاه دیپلماسی استعفا کرده است. در این بین خیلی‌ها تلاش کردند استعفای محمدجواد ظریف را مربوط به عدم هماهنگی با وی درباره سفر بشار اسد به ایران تفسیر کنند، برخی دیگر تلاش کردند ماجرای FATF را پیش بکشند و از آن به‌عنوان علت اصلی استعفا یاد کنند و برخی دیگر نیز ناکامی برجام و عدم همراهی اروپا و به شکست رسیدن پروژه اصلی وی را در نظر گرفتند، اما شاید هیچ کدام منطق جامع و روشنی برای استدلال خود عنوان نکردند و نتوانستند در افکار عمومی از نظر خود به خوبی دفاع کنند. از این رو تلاش می‌کنیم در گزارش پیش رو به وجوه مختلف اقدام محمدجواد ظریف بپردازیم و علل و نتایج آن را بررسی کنیم.

شامگاه دوشنبه و ساعتی بعد از آنکه بمب خبری حضور بشار اسد در تهران منفجر شد، خبر مهم دیگری نیز رسانه‌ای شد و محمدجواد ظریف بالاخره و بعد از چندباری که شایعه نزدیک به واقعیتی حساسی در رسانه‌ها پیچیده بود، خبر استعفای خود از وزارت امور خارجه را در اینستاگرامش منتشر کرد. لحظاتی بعد انواع و اقسام اخبار درست و غلط همراه با تحلیل و گمانه‌زنی‌های متفاوت فضای مجازی را پرکرد و کار را به جایی رساند که محمود واعظی، رئیس دفتر رئیس‌جمهور «قویا پذیرش استعفای ظریف» را تکذیب کند. ظریف البته ساعاتی بعد به صورت پیامکی با یکی از رسانه‌های نزدیک به دولت گفت‌وگو کرد و علت استعفاش را توضیح داد و بعد از ظهر دیروز نیز به رسانه دیگری توضیحات تکمیلی را گفت. وزیر امور خارجه در این دو گفت‌وگو مشخصا اشاره می‌کند که عدم دعوت برای حضور در جلسه روز

رفیق نیمه‌راه مردم

در سال ۱۳۹۲ حسن روحانی با ایده حل مشکلات اقتصادی کشور از مسیر مذاکره توانست رای مردم را جلب کند و در انتخابات به پیروزی برسد. پیروزی او مساوی انتخاب یار دیرینش برای حضور در وزارت امور خارجه بود؛ همان کسی که قریب به ۲۰ سال همکاری دیپلماتیک با وی داشت و حالا می‌توانست بهترین فرد برای پیشبرد این ایده باشد. محمدجواد ظریف و حسن روحانی از ایام جنگ تحمیلی و مذاکرات ۵۹۸ درکنار هم بودند و بعدا در مذاکرات دیگری مانند مذاکرات هسته‌ای در پایان دهه ۷۰ و اوایل دهه ۸۰ به هم پیوستند. از این مسیر ظریف اصلی‌ترین یار حسن روحانی در دولت و مغز متفکر ایده اصلی دولت بود.

اندکی بعد از اعلام نام ظریف به‌عنوان وزیر امور خارجه، خبر انتقال پرونده هسته‌ای از شورای عالی امنیت ملی به دستگاه دیپلماسی منتشر شد و او که خود نقش مهمی در تئوری پردازی مذاکره با ۱+۵ داشت، مسئول اجرای پروژه هم شد. ظریف حالا ۶۷ ماه است تلاش می‌کند پروژه‌ای را که بعدها برجام نام گرفت، به سرمنزل مقصود برساند و در این مسیر نیز از حمایت تام و تمام دولت، مردم و رهبری برخوردار است.

از این‌رو باید گفت استعفای امروز او با توجه به نیمه‌کاره ماندن برجام و البته INSTEX فراموش کردن اعتماد مردم در سال ۹۲ و سپس ۹۶ است. به عبارتی اولین نکته‌ای که در مورد استعفای ظریف باید گفت این است که این اقدام پشت‌پازن به رای مردم به تئوری مشترک حسن روحانی و ظریف است و خود می‌تواند منجر به بی‌اعتمادی مردم شود.

ظریف، نه آخوندی است، نه...

خیلی‌ها از روز گذشته استعفای ظریف را هم‌عرض استعفای عباس آخوندی، وزیر سابق راه و همین‌طور حسن قاضی‌زاده هاشمی، وزیر سابق بهداشت و حتی تهدید و شایعه استعفای جهانگیری می‌دانند و می‌گویند مساله صرفا استعفای «یک وزیر» است، این درحالی است که اساسا نسبت محمدجواد ظریف با دولت در قیاس با دیگران متفاوت است. آخوندی در استعفای خود و اظهارنظرهای بعدی ابراز می‌کند که دولت نظریه‌ای برای کار ندارد و نمی‌توان با آن کار کرد، یا قاضی‌زاده استعفای خود را به علت ناهماهنگی در دولت و کمبود بودجه اعلام می‌کند و جهانگیری نیز از عدم اختیار کافی خود گلایه می‌کند. از این‌رو باید گفت این افراد همگی شریک کارکردی دولت و همراه روحانی در عملکرد هستند، در حالی که جنس محمدجواد ظریف متفاوت است. وزیر امور خارجه دولت‌های یازدهم و دوازدهم هم مسئول اجرایی دولت بوده و هم تئوری‌پرداز دولت و جدایی او از کابینه یعنی جدایی بخش اصلی و حذف نرم‌افزار دولت. ظریف در این سال‌ها همیشه از برجام به‌عنوان توفیق اصلی ملت یاد کرده و حتی لایحه‌هایی مانند CFT و پالمرو را نیز در مسیر به نتیجه رسیدن توافق هسته‌ای توصیف کرده است و به عبارتی همه مردم او را معمار برجام می‌دانند، لذا نمی‌توان جدایی ظریف از دولت را با جدایی دیگران مقایسه کرد، بلکه آن را باید بسیار فزاتر از خروج آخوندی، قاضی‌زاده و دیگران دانست. از این‌رو باید مجددا تاکید کرد که رئیس امروز دستگاه سیاست خارجی اگر از دولت خارج شود، در گام اول از دایره اعتماد مردم و هدف رای‌دهندگان به حسن روحانی در ۹۲ و ۹۶ خارج شده است.

دولت مطلوب آقای سفیر

ظریف بارها ابراز کرده آنچه امروز با عنوان دولت تدبیر و امید بر سر کار است دولتی ایده‌آل اوست و همان است که سال‌ها از آن به‌عنوان سیاستی مطلوب نام می‌برد است. محمدجواد ظریف در کتاب خاطراتش (آقای سفیر) بارها به تحسین سیاست خارجی دولت هاشمی‌فسنجانی پرداخته است. تا آنجا که سیاست تنش‌زدایی خاتمی را ادامه کم‌رقی سیاست‌های هاشمی‌فسنجانی می‌خواند و تصریح دارد: «تنش‌زدایی بعد از پایان جنگ با عراق به‌عنوان دکترین سیاست خارجی جمهوری اسلامی مطرح شد.» به بیان ظریف، اقداماتی از جمله اجلاس سران «کارهای عظیمی بود که در دولت هاشمی صورت گرفت و دولت خاتمی از آن بهره‌برداری کرد.» ظریف در کتاب آقای سفیر تاکید می‌کند افراد جناح چپ به دلیل گرایش اعتدالی‌اش رابطه خوبی با او نداشته‌اند و زمان دولت هاشمی‌فسنجانی «دوستانی که هم‌خط آقای خاتمی بودند با سیاست اعتدال ما مخالفت می‌کردند.» محمدجواد ظریف اختلافات اصلاح‌طلبان با اعتدال را چنان پررنگ می‌بیند که نقل کرده در مجلس ششم (دولت دوم خاتمی) یکی از شرایط رای اعتماد به کمال خرازی (وزیر خارجه وقت)، عزل وی از معاونت بوده است.

باید گفت دولت روحانی دولتی است برای اجرای سیاست‌های ظریف، سیاستی که او قبلا امکان اجرای آن را نداشته. ظریف در کتابش تاکید کرده که در سیاست خارجی هیچ‌گاه از واژه دشمن استفاده نکرده است. شاهد مثال‌های متعددی می‌دارد؛ از تصویر دست‌دادن با صدام تا خنده‌هایش در کنار سفیر انگلیس موقع تحریم ایران و اینکه در مراسم خداحافظی‌اش در سازمان ملل، نمایندگان مجلس آمریکا را دعوت نکرده بود و در توضیح گفته: «فکر می‌کنم اگر آنها را دعوت کرده بودیم ممکن بود آقای جوبایدن که امروز معاون رئیس‌جمهور آمریکاست در مراسم حضور داشته باشد.»

چرا استعفای ظریف خطای استراتژیک بود؟

چیز این دولت به پای او نیز نوشته می‌شود، اما معین صرفا متولی بخشی مشخص از دولت اصلاحات بود و به‌رغم داشتن جایگاه محوری، نتیجه کلیت عملکرد دولت وقت به پای او نوشته نمی‌شد. در مقابل، هیچ‌گونه مشابهتی میان بستر و زمینه‌های اجتماعی استعفای ظریف و خاتمی وجود ندارد و با این اوصاف باید پذیرفت که اقدام ظریف هیچ‌گونه بهره‌انخاباتی‌ای را برای او در پی نداشته و بالعکس زمینه‌مرگ سیاسی زود هنگام او را رقم خواهد زد.

ظریف درست شبی استعفا داد که بشار اسد در تهران بود؛ موضوعی که باعث شد این استعفا در ارتباط با سفر رئیس‌جمهور سوریه و نحوه دیدارهای او با مقامات ایران تفسیر شده و غیبت او زمینه را فراهم کرد تا برخی این تلقی را در جامعه پمپاژ کنند که کشور دو وزیر خارجه و دو دستگاه سیاست خارجه دارد؛ تلقی‌ای که بیش از هر چیز ریشه در غیبت ظریف و حضور سردار سلیمانی در این دیدارها داشت. این برداشت البته در حالی است که وزیر خارجه پیش از این بارها در حمایت از دولت قانونی سوریه سخن گفته و نشان داده بود موضع اصولی دولت ایران درباره تحولات این کشور، همانی است که در سوریه پیگیری می‌شود؛ رویکردی که ظریف پیش از این نیز از هماهنگی و اتفاق نظر با نیروی قدس سپاه درباره آن خبر داده بود. قرائن زیادی در این باره وجود دارد و شاید نیازی به اثبات آن نباشد، اما با این حال اشاره به پیام تبریک وزیر خارجه ایران به همتای سوری‌اش پس از شکست داعش در دیرالزور و تاکید بر ادامه حمایت‌های ایران از دولت

سوریه در نبرد با تروریسم یا گفت‌وگوی اخیرش با شبکه سی‌بی‌اس که در آن از تهدید ایران و سیاست پایدار آن برای اعزام مستشاران نظامی به سوریه برای جنگ با تروریسم سخن گفته بود، خالی از لطف نیست؛ سیاستی که به تعبیر ظریف به کابوس آمریکا در منطقه مبدل شده است.

ظریف همواره از خود چهره‌ای ملتزم و مدافع منافع ملی به تصویر کشیده و فارغ از میزان صحیح بودن این تصویر همواره نسبت به آن تصریح داشته. گذشته از اظهارات روشن او درباره اثبات ضرورت برجام به دلیل اقتضای منافع ملی، می‌توان به بخشی از خاطرات او در کتاب آقای سفیر اشاره کرد؛ جایی که سفیر اسبق ایران در سازمان ملل ضمن اشاره به پیشنهاد کوفی عنان برای همکاری با سازمان ملل به‌عنوان یکی از این مقامات این سازمان، می‌نویسد: «شخصا با آقای کوفی عنان مشکلی نداشتم. مخصوصا پس از انتخاب آقای احمدی‌نژاد و شنیدن رزمه‌هایی درباره اینکه دوران حضور در بروکراسی جمهوری اسلامی رو به اتمام است... اما بنده با احترام قبول نکردم، چون می‌توانست مورد سوءاستفاده سیاسی در داخل و خارج قرار گیرد.» سوءاستفاده‌هایی که قطعا به ضرر منافع ملی تمام می‌شد. استعفای وزیر خارجه را برخلاف آنچه در ۲۴ ساعت گذشته به کرات ذکر شد، به وضعیت لوابح FATF هم نمی‌توان نسبت داد. هرچه باشد، هنوز تعیین تکلیف قطعی‌ای در این باره صورت نگرفته و موضوع همچنان به نتیجه نرسیده. به بیان دقیق‌تر، علی‌رغم همه انتقادات و مخالفت‌های موجود، این لوابح در مجمع تشخیص مصلحت همچنان در دست بررسی است و رد آنها به تصویب نرسیده که ظریف در واکنش به آن استعفا داده باشد. همین واقعیت تلاش دیروز رئیس‌جمهور در دیدار با مدیران بانک مرکزی برای ارائه قرائتی خاص و ناظر به FATF از این استعفا را هم بلاموضوع می‌کند.

شاید لحظاتی که انگشتان وزیر خارجه روی دکمه‌های کیبورد می‌لغزید و وزیر خارجه متن اینستاگرامی استعفاش را می‌نوشت، تصورش را هم نمی‌کرد که افکار عمومی این‌گونه با تصمیم او مواجه شود؛ مواجهه‌ای که فقط در یک فقره نمود بارز آن را می‌توان در کامنت‌های ذیل این پست به چشم دید، کامنت‌هایی که نشان می‌داد زور این استعفا به گوشت کیلویی ۱۰۰ هزار تومان، پراید ۵۰ میلیونی، مرغ ۱۵ هزارتومانی، دلار ۱۵ هزارتومانی و... تجزیه‌ده و اساسا گویا تا اطلاع ثانوی قرار هم نیست هیچ پدیده‌ای ولو مهم و کم‌سابقه جای این دغدغه‌ها را پر کند؛ دغدغه‌هایی که خواه‌ناخواه باید آنها را ثمره دست‌پخت ظریف و رفقا دانست و به پای نسخه‌ای نوشت که پنج سال است آنها برای اقتصاد و سیاست و محیط‌زیست و آب خوردن و... کشور تجویز کرده‌اند. جمع‌بندی افکار عمومی در مواجهه با استعفای ظریف را از این جهت باید منفی دانست که فارغ از تعجب همگانی اولیه که طبیعی هم به نظر می‌رسید، حمایت و ابراز همراهی چشمگیری را در جامعه به دنبال نداشت و به‌طور کلی برآیند افکار عمومی تأیید اقدام وزیر مستعفی نبود.

واکنش بازار هم به استعفای وزیر خارجه در نوع خود جالب توجه بود. شاید تصور خیلی‌ها که از ساعات اول خبرها را دنبال می‌کردند این بود که صبح روز سه‌شنبه موضوع استعفا تأثیر قابل توجهی روی شاخص‌هایی چون نرخ دلار و سکه بگذارد و به افزایش قیمت آنها منتهی شود. پیش‌بینی‌ها در این باره اما غلط از آب درآمد و به جز شاخص بورس که افت کرد، قیمت سکه، دلار و طلا روندی کاهشی داشت، درحالی که با توجه به مناسبت‌های روز، بازار می‌توانست روند افزایشی داشته باشند.

عده‌ای اقدام ظریف را با استعفای معین در دهه ۸۰ و استعفای محمد خاتمی در دهه ۷۰ مقایسه می‌کنند، اما تفاوت‌هایی عمیق